

سایت ملی استقلال خیلواکی و سفسطه سرایی خلقیان غیر ملی

مقدمه:

شکی نداریم که منبع و سرآغاز تمام مصائبی که ملت رنجور افغانستان را از عرصه تقریباً نیم قرن به اینطرف دچار جنگ های خانمانسوز، تلفات و صدمات جسمی، تشنّت و آوارگی ملیون ها و حتی نسلها نموده است، همانا فعالیت، جنایات و وابستگی اقلیتی منحرف و از افغانیت برگشته غیر ملی ای تحت اسم سخیف «حزب دیموکراتیک خلق – به شمول هردو شاخه خلق و پرچم»، دست پرورده و جیره خوار اتحاد شوروی وقت بوده است.

درین مبحث که به پشتیبانی از مردم و ملت نهایت مظلوم افغانستان تحریر میگردد، نقاب از چهره آن اقلیتی باید برداشته شود که علنی و با قید صفحات تاریخ و استناد «عمداً» با دشمن همگان گردیده و در یک سرزمین مقدس غیر منسلک موجبات انواع جنایات بشری و آوارگی های اجباری را تا امروز سبب گردیده اند. این کتله دشمن پرور، در حالیکه خاک مقدس ملت افغان را با اشغال سهمگین و غیر بشری اردوی مخوف اتحاد شوروی جهانخوار، به دشمن پیشکش نمودند، بعد از شکست خفت آور آن ابر قدرت ذریعه مجاهدین واقعی وطن، با شرمساری به کشور های غربی فرار کرده و محتاج دستر خوان آن ممالک گردیدند که دایم با پیروی از بادران شان تبلیغات سوئی بر آنها روا میداشتند!

بدون تردید، امروز مسئولیت وجدانی هر فردی از ملت افغان که اجباراً در سر زمین های گوناگون با مشقت و استیصال آواره و دربر گشته است «و میگردد»، بر دوش آن وطن فروشانی است که جریان شرم آور و منحوس کودتای هفتم ثور را به امر «اتحاد شوروی» سازمان دادند و با افتخار زیر پرچم خائینی مانند ترکی، ببرک، امین، اناهیتای راتب زاد، نجیب و گروهی دوزخیان دیگری به خدمت دشمن در آمدند.

این از زیر دار گریختگان امروزی همان سفلگان دیروزی هستند که با همکاری با دشمن و اعمال غیر ملی و غیر افغانی شان دو ملیون شهید، بیشتتر از یکونیم ملیون معیوب و هفت ملیون آواره اجباراً در کمپ های صحرائی پاکستان و ایران پناه گزین شدند..... و ۱۵ هزار قریه و آبادی از روی نقشه افغانستان عزیز محو گردیده..... و ۷۵ میلیارد خساره جنگ را هرگز اتحاد شوروی اشغالگر و روسیه فدرال نپرداخت!! معظمه دربدری ملت افغان و بربادی یک سرزمین غیر منسلک

باستانی، دردا که تا الآن موجبات کشتار، آوارگی و مظلوم فراوانی را سبب گردیده است که همه و همه را کودتای منحوس، خونین و مرگ آفرین ثور و پیروان وطن فروش آن بوجود آورده است. بنابراین هر افغان متعهد ملی به پشتیبانی از مردم رنجور افغانستان، باید وجداناً و اخلاقاً با معرفی هر فردی از آن گروه خیانت پیشه و برداشتن نقاب تزویر از چهره وی خدمتی برای مردم خویش که اکثریت ملت افغان باشد، بجا آورد.

وبسایت ملی «استقلال- خپلواکی»، از آغاز افتتاح سایت، این مبارزه و جهاد قلمی را بر علیه آنانی که با خفت خاک مقدس افغانستان را به «روسیه شوروی» فروختند و یا افرادی که، در کشتار و فجایع با تنظیم های تشنه قدرت جهادی همگام گردیدند، هر گز سر آشتی نداشته و در حالیکه با تقدیر از آثار ارزشمند خبرگان و دانشمندان با مراعات اصول تحریر صحیح و دوری از اصطلاحات نامأنوس و هجوم فرهنگی ایران بر دری اصیل افغانستان، بیشمار مطالب آموزشی و ملی صفحات آنرا رونق میبخشد، هرگز مرام مقدس مبارزه بر علیه آنانیکه با قساوت و کجروی در حق هموطنان موجبات بربادی یک ملت و سرزمین شان را بار آورده اند، از یاد نمیبرد. علت اصلی ای که اینقلم و تعدادی از سایت «افغان جرمن» کناری گیری نمودیم، دقیقاً هجوم روز افزون جمیعت «خلق و پرچمی» و موجودیت شناسایی و سوابق همکاری آنان با گذاشتن نقاب های «ملی» به صورت بود که ممانعت ما مؤثر واقع نگردید.

یکی از عمال وابسته به گروه خلق که سال هایی به دلایل آشکارایی از وبسایت «افغان جرمن» کنار رفته بود، جدیداً دوباره نقل مجلس شده و با ساحة وسیع قلم فرسایی، و قضاوت واقعاً بیطرفانه علمی «!؟» با افتراء و دقیقاً استعمال الفاظ نا هنجار دور از ادب قلم به سراغ وبسایت «استقلال - خپلواکی» رفته و تا توانسته بر خط مش، محتویات و اعضای هیئت مدیره تاخت و تاز قلمی نموده است، بدون آنکه متوجه گردد که برای معرفی سوابق، افکار، عقاید و منطق خویش در جمع خوانندگان، چه خبط بزرگی را در حق قضاوت، شناخت و برداشت خود مرتکب میگردد. به نکات قابل ذکر وی دقت فرمایید:

پسندیده است که خوانندگان محترم ما اولتر سری به دریچه نظریات «افغان جرمن» بزنند و مذاکرات شاغلو «ایاز نوری و محمد انور اخر» را از نگاه منطق و احترام به کرامت انسانی که از تعرض محفوظ است، مطالعه فرمایند. از کوزه همان طراود که دروست!

این ها بر یکی از نویسندگان سایت «استقلال - خپلواکی» ریشخند و تمسخر نموده و بر مدیر مسئول آن هم بی جهت به نحوه عادت‌ی که در فامیل و اجتماع خویش آموخته اند، تاخت و تاز مینمایند. آندو بصورت اغراق و مبالغه آمیز به توصیف «!» از همدیگر و خانواده هایشان که در سر تا سر خوست شناسا «!؟» و قابل قدر هستند، همچنان با عقده خود بزرگ بینی میپردازند. یا الهی!

شاغلی «ایاز نوری» ادعا دارد که وبسایت «استقلال - خپلواکی» یک تشکیل مسخره و ریشخندی است! صرف به طور نمونه و مثال، این سایت قسمت بزرگ آرشیف گرانبها و ارزشمند علامه پوهاند عبدالهی حبیبی را با اعتماد و حفظ امانت داری به شکل «میکروسافت ورد» در اختیار دارد که متصل هریک از آثار گرانبهای آن استاد بینظیر هفته وار منتشر میگردد. آیا منظور شخص مذکور، از کلمه مستهجن «ریشخندی» دسترسی به چنان گنجینه علم و معرفت و صد ها مطالب از دیگر خبرگان ملی گرا است که درین تشکیل مطبوعاتی منتشر میگردد؟!؟!!

در قسمت هایی از مذاکرات آندو، از منطق و قانونیت ذکر رفته است و هردو با بی مسئولیتی کلماتی استعمال نموده اند که واقعاً شرم آور است. مثلاً به سراغ آقای «حمید انوری» رفته و بیجهت بر سلامت عقلی وی انگشت گذاشته اند و بر تربیت و اخلاق وی همچنان. خوب می بینیم با تمجید های فوق العاده دو هموطن مورد بحث از همدیگر، آقای «حمید انوری» در شهر کابل چه نوع تربیتی را حایز گردیده است: سالهای متعلمی من در لیسه عالی ملالی، دوران درخشان و قابل ستایشی بوده است و دران مرکز علم، زن و دختر افغان، مادر و خاله بزرگوار آقای «حمید انوری» استادان و مدیره با کفایت و درایت آن لیسه عالی بوده اند که حتی در همان عصر برقع و چادری از پوهنتون فارغ گردیده بودند. آیا در فامیل های دو هموطن خوستی ما زنان چنان تحصیلاتی داشته اند یا این اصل مهم و حیاتی خاص مردان بوده است؟!... و من چه خوش قسمت بودم که مانند هزاران متعلم آن مرکز بزرگ علم و دانش تحت نظر آن خبرگان تربیت و تعلیم فرا میگرفتم. روح پاکشان شاد و یادشان گرامی باد.

بهر حال، میرویم به سراغ یکی از هموطنان ما به نام آقای «عبدالواحد حیدری» که مضمونی در سایت «آریانا افغانستان آنلاین» تحت عنوان «عدالت برای جنایت خلقی ها و پرچمی ها و ضرورت پاسخگویی فردی» در زمینه رد ادعای شاغلی محمد «انور احر» تحریر داشته و ابراز میدارد اینکه اقدامات یک مأمور در اجرای وظیفه به مقامات مربوط بوده و مأمور از مجازات معاف میشود، صحیح نیست. نامبرده در قسمت اخیر مضمون چنین مینگارد:

(عدالت برای جنایات خلقی و پرچمی ها نه تنها برای قربانیان، بلکه برای شکستن چرخه معافیت و خشونت در افغانستان، حیاتی است. بدون عدالت صلح در افغانستان ناممکن است.

از دستور مافوق در موضوع جنایات جنگی بر اساس قانون دیوان بین المللی ۲۰۰۲ «*» قابل قبول نیست. حتی اگر این دستور از رهبران و مقامات صادر شده باشد، مسئولیت فرد نادیده گرفته شده نمیتواند. ادعای آقای آخِر مبنی بر اینکه مسئولیت جنایت متوجه "مشرانو" است، با اصول محاکم بین المللی در تضاد است. مسئولیت جنایت فردی در سطوح پائین نیز تعیین شده است). «*» - منظور آقای حیدری از محکمه بین المللی جنایات علیه بشریت یا (ICC) است.

حال میبینیم که چه رهنمایی خوبی در زمینه از انتقاد آقای «ایاز نوری» مبنی بر اینکه شرح حال محترم «حمید انوری» در آرشیف سایت «افغان جرمن» نیست، صورت گرفت؛ البته وی با آقای «قیس کبیر» پسران خاله هستند و تعدادی از آرشیف ها وقتاً فوقتاً به کلود حفظ گردیده و بر میگردد، در عوض من به سراغ سوابق و فعالیت های دولتی و نظامی آقای «ایاز نوری» در سایت رهنمون گردیدم. چه دیدم؟ پناه بر خدا!

بدون شک در همه ممالک و در کشور های کمونیستی و دکتاتوری ها بیشترین اعتماد بر اعضاء و صاحب منصبان اردو میباشد. در قضایای افغانستان جنگ زده و مردم مظلومی که در عصر اشغال خون و آتش مملکت، گروگان گرفته شده بودند، به حکم تاریخ و شهود عینی، همین صاحب منصبان عسکری افغان و دقیقاً اعضاء حزب بودند که پا به پای عساکر شوروی، ملیون ها مردم وطنپرست را کشتند و موجبات ویرانی، بمباردمان، آوارگی و انهدام سرزمین مقدس و گهواره مقدس خود ها را سبب گردیدند و در پایان جنایات و خیانت های آشکارای اظهر من الشمس، به عنوان از زیر دار گریختگان به ممالک غربی فرار نمودند.... دردا که افرادی با چنان سابقه ای که در سال اشغال فجیع و بیرحمانه مادر وطن ۱۹۷۹ م - ۱۳۵۸ هـ با بورس تحصیلی افتخار رفتن به مملکت اشغالگر را نصیب میشود و در اوج خون و آتشی که بر وطن و هموطنان اعم از زن و مرد و طفل همچنان نازل میگردد، وی در ۱۹۸۹ م - ۱۳۶۸ هـ به منصب جگتورن مدارج ترقی را می پیماید و در پایان کار به نسبت خرابی اوضاع سیاسی «!؟» به پاکستان فرار نموده و به غرب - منجمله هالند پناهنده میگردد. یا الله.

با تمام ریشخند و انتقادی که بر یکی از نویسندگان در سایت «استقلال - خپلواکی» در انتخاب اسم «خوستی» نموده اند. در شرح و احوال آقای ایاز نوری وی «خوستی» قلمداد گردیده است!

ایوای وطن وای